

نگاهی دیگر به طرح «تاکتن - TOKTEN»

(Transfer of Knowledge Through Expatriate Nationals)

در شماره قبل، ضمن اشاره‌ای کوتاه به اهداف و عملکردهای کلی طرح «تاکتن - TOKTEN» مصاحبه ما را با «دکتر محسن جعفری» ملاحظه فرمودید. اینک نظریات یکی دیگر از استادان ایرانی خارج از کشور را که در اجرای این طرح به ایران آمده بودند، مطالعه خواهید فرمودید. نام ایشان «دکتر هرمز پورشسب» است و در دانشگاه «کنکوردیای کانادا» به تدریس و تحقیق اشتغال دارند.	آنها قرارداد لازم بسته شده و حدود ۴۲ نفرشان هم به ایران آمده‌اند.	۷/۵ درصد از کانادا	
برای مزید اطلاع، اضافه می‌نماید که مسؤول طرح تاکتن در دفتر نمایندگی برنامه عمران ملل متحد (UNDP) در ایران، در تیرماه گذشته طی یک گزارش از عملکرد این طرح، اعلام داشته است که تاکنون حدود ۲۹۴ نفر از متخصصان ایرانی مقیم خارج از کشور برای همکاری در قالب طرح تاکتن درخواست نموده‌اند و با ۹۳ نفر از	به علاوه آمار دفتر UNDP در ایران نشان می‌دهد که رشته‌های تخصصی کارشناسان مزبور بدین شرح بوده است:	۴/۱ درصد از انگلیس	
	۵۲/۴۰ درصد در رشته‌های علوم فنی و مهندسی	۲/۴ درصد از آلمان	
	۱۹/۷۰ درصد در علوم پایه	۱/۷ درصد از استرالیا	
	۱۴/۲۰ درصد در علوم اجتماعی	۱/۴ درصد از فرانسه	
	۶/۵۰ درصد در علوم پزشکی	۱/۳ درصد از سایر کشورهای اروپایی	
	۵/۷۰ درصد در کشاورزی	مانند سوئیس، هلند و فنلاند	
	۱/۷۰ درصد در زمینه هنر	شایان ذکر است که مطابق گزارش مزبور ۴ نفر از متخصصانی که در چارچوب این طرح به ایران آمده‌اند، تصمیم گرفته‌اند که به طور دائم در ایران اقامت نمایند.	
	هم‌چنین توزیع جغرافیایی متخصصانی که درخواست همکاری با طرح تاکتن را نموده‌اند، بدین شرح اعلام شده است:		
	۸۱/۶ درصد از امریکا		

* * *

ساختمانهای دریایی، طرح سدها و زلزله‌شناسی، البته از نقطه نظر ژئوتکنیک و نه از نظر ژئوفیزیک.

* بعضی‌ها عقیده دارند که بزرگترین درد جامعه ما «توسعه نیافتگی» است و بنابراین باید همگی تلاش کنیم تا راه پیشرفت و توسعه جامع را بیابیم. حال، جنابعالی که با مسایل جهان سوم آشنا هستید و در عین حال، به علت ارتباط با مراکز علمی و تحقیقی کشورهای پیشرفته، علل و جلوه‌های گوناگون پیشرفت کشورهای صنعتی را درک کرده‌اید، تفاوت بین این دو وضع را از دیدگاه آموزش عالی بیان فرمایید.

دکتر پورشسب: مسأله توسعه، دو جنبه دارد: یکی جنبه فرهنگی و اخلاقی است، که به نظر من، ما از این لحاظ اصلاً عقب نیستیم و خیلی هم خوب هستیم. جنبه دیگر، جنبه مادی است، از لحاظ اقتصادی و تکنولوژی که البته مطلوب نیست. دلایل عقب ماندگی از این جنبه را شاید در سدهای اخیر هم نتوان یافت؛ بلکه علت آن به دوران‌های خیلی قدیم

* خواهش می‌کنم قبل از شروع مصاحبه، کمی درباره تحصیلات، خدمات و کارهای آموزشی و پژوهشی خودتان صحبت فرمایید.

دکتر پورشسب: من در سال ۱۳۱۴ در تهران به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی را در تهران گذراندم و بعد به دانشگاه «منچستر» رفتم و درجه BS را در آنجا به دست آوردم و در سال ۱۹۶۱ میلادی موفق به اخذ درجه دکترا از دانشگاه «کمبریج» شدم. سپس مدت شش سال و نیم در کانادا به تدریس پرداختم و بعد به ایران برگشتم و مدت دو سال استاد دانشگاه شیراز بودم. هشت سال بعد از آن هم به عنوان مهندس مشاور در تهران خدمت می‌کردم.

در حال حاضر استاد دانشگاه «کنکوردیا» هستم و کارهای تحقیقاتی در زمینه ژئوتکنیک انجام می‌دهم. این برنامه‌های تحقیقاتی اصولاً بر دو نوع است: یک قسمت مربوط به کارهای تحقیقاتی پایه است که به نظر می‌رسد یک حالت بین‌المللی پیدا کرده و قسمت دوم هم مربوط به استفاده از این کارهای پایه‌ای است، برای انجام طرحهایی مثل طرح

● باید به دنبال کسی رفت که ارزش داشته باشد و خودش هم بخواهد که به ایران برگردد.

● دانشجوی ایرانی باید در زمینه‌ای تحقیق کند که به درد ایران بخورد.

● اگر دولت مخصوصاً به مسأله رفاه استادان توجه بیشتری داشته باشد، بسیار بسیار بجا خواهد بود.

● نسبت دانشجویان تراز اول در دانشگاه‌های ایران بیشتر از دانشگاه‌های کانادا است.

برمی‌گردد. وقتی که رنسانس در اروپا به راه افتاد و نتایجی از آن انقلاب در اروپا و انگلستان به دست آمد و بالاخره هم به کشورهای امریکا و کانادا رسید، در آن موقع ما سرگرم کارهایی بودیم که به آنگونه مسایل زیاد ربطی نداشت، یعنی زیاد به فکر آن چیزها نبودیم. بنابراین، عقب‌ماندگی مورد نظر چیزی نیست که بشود یک شبه یا یک روزه آن را برطرف کرد.

من فکر می‌کنم که فقط و فقط از راه فرهنگ می‌توان این وضع را تغییر داد. یعنی باید باور کنیم که واقعاً آدم‌های پایین‌تری نیستیم. باید اینگونه عقده‌های حقارت از بین برود و موفقیت در این امر هم فقط از راه فرهنگ و از راه انتشارات و همین مصاحبه‌ها باید به دست بیاید. من در اینجا دانشجویانی را که می‌بینم و با آنها صحبت می‌کنم و یا برنامه‌های درسی دانشگاه را که مرور می‌کنم، صددرصد ایمان می‌آورم که نه تنها از این لحاظ زیاد عقب نیستیم؛ بلکه خیلی هم از دیگران برتر هستیم. حداقل اینکه، از لحاظ نظری وضعمان بسیار خوب است و از نظر عملی هم کمتر از دیگران نیستیم. آموزش عالی می‌تواند این کار را انجام بدهد و کشور را بالاخره خودکفا کند. یعنی ما را از کارشناسان خارجی بی‌نیاز کند، به طوریکه دیگر لازم نباشد مقدار زیادی از سرمایه‌های ایران به خارج برود و ما هم کم‌کم یک کشور جهان‌سومی باقی بمانیم. البته من اصلاً از این کلمه «جهان سومی» خوشم نمی‌آید. در واقع، مملکت ما یک مملکت جهان سومی نیست؛ زیرا این مملکت به هر حال پیشرفت‌هایی کرده است. سدهایی که در ایران داریم، ساختمان‌هایی که در ایران داریم و همین ساختمان‌ها و مترو بسیار بسیار پیشرفته است؛ ولی البته جاهایی را هم در روستاها داریم که هنوز پیشرفت‌های لازم را نداشته‌اند. بنابراین، ما هم مانند ممالکی هستیم همچون برزیل، آرژانتین و غیره که به صورت غیریکساخت پیشرفت‌هایی داشته‌ایم. خوشبختانه در این چندروزه، با چند سازمان ایران در تماس بودم، از جمله سازمان بنادر و کشتیرانی و سازمان توسعه و تجهیز مدارس کشور و می‌دیدم که واقعاً پیشرفت‌های خوبی داشته‌اند. حال، نظام آموزش عالی می‌تواند کاری کند که

متخصصان لازم برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها در خود ایران پرورش یابند. خوشبختانه در این زمینه یکی از قدم‌های اساسی را همین دانشگاه صنعتی شریف دارد برمی‌دارد و دوره‌های دکتری PHD را در رشته‌های سدسازی و ساختمان‌سازیه‌های دریایی فعال می‌کند. اگر این فعالیت‌ها را برای ده سال پیگیری کنیم، احتمالاً از پیمانکاران خارجی یا مشاوران خارجی بی‌نیاز خواهیم شد و این قدم بسیار مثبت و مهمی است.

* چون اشاره‌ای به وضعیت دانشجویان ایرانی داشتید، لذا بفرمایید

که دانشجویان ایرانی از لحاظ احساس مسؤولیت و علاقمندی به علم

و دانش در مقایسه با دانشجویان مثلاً کانادایی چه وضعیتی دارند؟

دکتر پورشب: جناب آقای لواسانی سفیر ایران در «اتاوا»

می‌گفتند که ما حدود هفتصد هزار نفر داوطلب ورود به دانشگاه یا پشت کنکوری داریم. بنابراین، کسانی که در ایران وارد دانشگاه می‌شوند، از بهترین دانشجویانی هستند که ممکن است در ایران پیدا شوند؛ اما در کانادا ورود به دانشگاه خیلی راحت‌تر است. پس اگر یک کلاس سی نفری اینجا را با یک کلاس سی نفری در کانادا مقایسه کنیم، احتمالاً ۱۵ نفر از دانشجویان کلاس ایرانی، بسیار بسیار خوب هستند؛ ولی این نسبت در کانادا ممکن است به ۸ تا ۱۰ نفر برسد. چون در آنجا ورود به دانشگاه آسانتر است و در نتیجه دانشجویان با پایه کمتر هم وارد دانشگاه می‌شوند. البته منظور من این نیست که یک دانشجوی تراز اول در دانشگاه‌های کانادا از یک دانشجوی تراز اول دانشگاه‌های ایران کمتر است؛ بلکه منظور من این است که در اینجا تراکم دانشجویان تراز اول و یا نسبت تراز اول‌ها بیشتر از آنجاست.

تفاوت دوم این است که دانشجوی ایرانی شدیداً تشنه رسیدن به سطوح علمی و تخصصی بالاتر است و می‌کوشد که درجهٔ Masters و PHD بگیرد، در حالیکه جوان کانادایی، به علت وضعیت بازار کار، وقتی که درجه‌اش را گرفت و از دانشگاه بیرون آمد، کار کردن را شروع می‌کند. مثلاً چندی پیش که در ایران بودم، فرصتی دست داد تا چند تر Masters دانشجویان ایرانی را نگاه کنم. یکی از آنها مربوط به دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف بود و دیگری هم مربوط به دانشگاه تهران. واقعاً تره‌های مزبور بسیار بسیار عالی بودند و حتی می‌توان گفت که نه تنها از سیستم Masters کانادا کمتر نبود؛ بلکه شاید از بعضی جهات بهتر هم بود. بنابراین، رویهم‌رفته آینده خیلی خیلی روشن است و اگر واقعاً حمایت و توجه دولت به آموزش عالی ادامه پیدا کند، وضع خیلی بهتر خواهد شد. من به آینده خیلی خوشبین هستم و از این وضع هم خوشحالم. * لطفاً دلایل خوشحالی و خوشبینی خود را نسبت به نظام آموزش فعلی کشور تشریح کنید و به طور خاص بفرمایید که ویژگی‌های آموزش در دانشگاه صنعتی شریف چیست؟

دکتر پورشب: متأسفانه در مورد تمام نظام آموزشی کشور

نمی‌توانم اظهار عقیده زیادی بکنم، چون وقت بسیار کم بوده و نتوانسته‌ام

● مملکت ما یک مملکت جهان سومی نیست؛ زیرا به هر حال پیشرفت‌هایی داشته است.

● باید باور کنیم که آدم‌های پایین‌تری نیستیم. باید اینگونه عقده‌های حقارت را از بین برد.

● تنها راه توسعه و پیشرفت، کار فرهنگی است.

● وقتی اروپا و امریکا از نتایج رنسانس استفاده می‌کردند، ما به فکر چیزهای دیگری بودیم.

تمام سیستم را ببینم؛ اما به قسمت دوم این سؤال پاسخ می‌دهم.

اولاً، استادان دانشگاه صنعتی شریف به قدری علاقمند به کارهایشان هستند که باعث تعجب است، آنهم در حالیکه با اشکالات خیلی زیادی روبه‌رو هستند. اشکال عمده این است که حقوق آنان به هیچ‌وجه درخور شأن آنها نیست؛ ولی آنها با همین حقوق دارند زندگی می‌کنند و در اینجا کار می‌کنند. احتمالاً چنین استادی مجبور است در دو یا سه جا کار کند. فرض بفرمایید باید در یک دفتر مهندسی مشاور هم کار کند تا بتواند هزینه‌های خود را در حد متوسط تأمین کند. با وجود این، راندمان کاری و نتیجه فعالیت‌های این استادان، چه در زمینه تحقیق و چه در زمینه تعلیم، واقعاً از هر استادی در هر کجای دنیا کمتر نیست. تنها مورد مشابهی را که دیده‌ام، در برزیل بوده است. در آنجا هم مسایلی شبیه اینجا هست. من فکر می‌کنم که اگر دولت مخصوصاً به مسئله رفاه استادان توجه بیشتری داشته باشد، بسیار بسیار بجا خواهد بود، هر چند که در همین وضع هم خدمات استادان قابل تقدیر است. به طور کلی، استادان اینجا در ردیف اول هستند، در بهترین دانشگاه‌های دنیا درس خوانده‌اند و هنوز هم شور و شوق دارند و با کمی عنایت انشاءالله این شور و شوق بیشتر هم خواهد شد.

نکته دیگر، در مورد برنامه‌های آموزشی و تحقیقاتی است. همانطور که اشاره شد، فعال شدن دوره‌های PHD - مخصوصاً در رشته‌های تخصصی - مرا شدیداً تحت تأثیر قرار داده است. به نحوی که در یک جلسه دو ساعته توانستم تمام موازین لازم برای این دوره‌ها را تنظیم و تدوین کنیم و نه تنها استادان این دوره‌ها معلوم شدند؛ بلکه ممتحنان آنها هم معین شدند و امیدوار هستیم که این برنامه‌ها با موفقیت اجرا شود. من وقتی که لیست دروس این دوره‌ها را دیدم، واقعاً خوشحال شدم، چون مطابق هر دانشگاهی در هر جای دنیاست. مسایل تحقیقاتی این دوره‌ها هم مربوط به خود ایران است. این مسئله از این لحاظ خیلی مهم است که فرض بفرمایید اگر یک دانشجوی ایرانی به کانادا برود، باید در مورد زمین‌های یخ بسته یا مناطق جنگلی کانادا کار کند. البته این تحقیقات بسیار خوب است؛ ولی به درد مملکت کانادا می‌خورد. در صورتیکه دانشجوی ایرانی

باید در باره صفحه خاکی خود ایران مطالعه کند تا نتیجه تحقیق به درد ایران بخورد.

* خواهش می‌کنم نظرتان را در مورد دعوت از استادان و فارغ‌التحصیلان ایرانی خارج از کشور بیان کنید و بفرمایید که واقعاً در سر راه مراجعت این افراد به ایران، چه مشکلاتی وجود دارد و چه باید بکنیم تا این مشکلات از بین بروند؟

دکتر پورشسب: من فکر نمی‌کنم که این مسأله چندان حاد و پیچیده باشد. در واقع کسانی که به مملکت خودشان علاقه دارند، با کمال میل و در اولین فرصت می‌آیند. کما اینکه خود من، با وجود اینکه قابل این حرف‌ها نیستم؛ ولی با نهایت خوشوقتی آمده‌ام و انشاءالله که مفید هم بوده است. مسأله این است که واقعاً کسی باید به ایران برگردد که خودش بخواند و به مملکت خودش فکر کند و با فخر به ایران برگردد. درست نیست که به دنبال کسی برویم که خیال می‌کند اینجا «جهان سوم» است! البته تبلیغات منفی هم علیه ایران خیلی زیاد است و یک نوع توهمات را ایجاد کرده‌اند. توهم راجع به مثلاً بهداشت یا امنیت و غیره، در حالیکه واقعیت چیز دیگری است و اصلاً این‌گونه اغراق‌ها مطرح نیست.

بنابراین، در وهله اول باید از آنهایی دعوت بشود که خودشان هم می‌خواهند بیایند و در عین حال افرادی باشند که بیرزند. در وهله دوم باید به آنان گفت که تبلیغات منفی را باور نکنند و واقعیت به گونه دیگری است. سوم اینکه، باید دانسته شود که دارند به میهن خودشان برمی‌گردند که خدمت کنند و نه آقایی. آنها نباید فکر کنند به کشوری می‌آیند که کاملاً از همه چیز دور بوده و سال‌های سال خراب شده است. نکته دیگری که باید در نظر داشت، این است که از کسانی دعوت بشود که واقعاً ارزش داشته باشند. اینگونه افراد هم معمولاً دارای شهرت و موقعیت بین‌المللی هستند و از لحاظ علمی و عملی در دنیا روی آنها حساب می‌شود. بنابراین افراد مزبور باید بتوانند حیثیت‌های بین‌المللی خود را هم حفظ کنند. حال اگر اینگونه افراد سالی سه تا چهار ماه را در ایران باشند و حدود هفت تا هشت ماه دیگر را در همان مملکتی که هستند، به کارهای تحقیقاتی خودشان ادامه بدهند، برنامه بسیار خوبی خواهد بود، چون هم ارتباطات و موقعیت‌های بین‌المللی استادان حفظ می‌شود و هم اینکه به کشور خودشان کمک کرده‌اند و مایه افتخار مملکت هستند و در هر بار مراجعت به ایران نیز آخرین تکنولوژی‌ها را به همراه خواهند آورد.

* نظر شما راجع به عوارض انتقال تکنولوژی چیست؟

دکتر پورشسب: این مسأله‌ای است که ژاپنی‌ها با آن درگیر بودند. در واقع، ژاپن بسیار تشنه تکنولوژی غرب بود؛ ولی می‌گفت این کار را می‌کنیم به شرط اینکه تمام شئون اجتماعی و فرهنگی خودمان را حفظ کنیم. ما هم دقیقاً باید همان کار را انجام دهیم. یعنی تمام شئون اخلاقی، اجتماعی و ارزش‌های انسانی خودمان را نگهداریم و بعد تکنولوژی را هم وارد کنیم.